

بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان سعدی

علی گراوند*

علی محمد سهراب‌نژاد**، یارمحمد قاسمی***

چکیده

«سرمایه اجتماعی» از مفاهیم مهم جامعه‌شناسی است و در دیگر علوم نیز به آن توجه شده است. روابط اجتماعی اساس این مفهوم است و از آن به‌منزله سرمایه‌ای در کنار دیگر انواع سرمایه (انسانی، مادی، فیزیکی، و غیره) نام می‌برند. سرمایه اجتماعی سه مؤلفه هنجارگرایی، اعتماد، و مشارکت دارد. مبانی و اصول این نظریه در نظر اندیشمندان قدیم مطرح بوده است؛ از جمله سعدی، به‌واسطه سفرهای متعدد و نشست‌وبرخاست با افراد گوناگون، با زیربوم زندگی جوامع عصر خویش آشنایی داشته است و برای رسیدن به جامعه آرمانی نظریه‌ای جامع دارد که در بوستان آمده است. بوستان اثری تعلیمی - اخلاقی است و در این پژوهش، برای آشنایی با نظر اجتماعی سعدی، مؤلفه مشارکت را در بوستان به‌شیوه اسنادی هم‌راه با تحلیل محتوا بررسی کرده و نشان داده‌ایم که جایگاه بسامدی مؤلفه مشارکت در بوستان بعد از هنجارگرایی و اعتماد قرار دارد. از بین شاخص‌های آن مشارکت اجتماعی بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است و از نظر نوع مشارکت، مشارکت برون‌سویه که نشانه روابط عاطفی جامعه مطلوب سعدی است بیش‌ترین فراوانی را دارد و بعد از آن مشارکت درون‌سویه قرار می‌گیرد. مشارکت براساس تقسیم کار (مشارکت تخصصی) بسامد صفر داشته است و این یافته با ویژگی‌های جامعه تمایزنیافته عصر سعدی هم‌خوانی دارد.

کلیدواژه‌ها: سعدی، بوستان، جامعه‌شناسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)، a.garavand@ilam.ac.ir

** دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، sohrabnejad2014@gmail.com

*** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام، Ym_ghasemi 2004@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹

۱. مقدمه

مطالعه درباره وضعیت اجتماعی و روابط اجتماعی یکی از کانونی‌ترین موضوعات در علم جامعه‌شناسی است. در این میان، تاریخ و دورنمای این روابط با تأکید بر مشارکت و اشکال مختلف آن مهم است. در این خصوص مطالعه تاریخ اجتماعی و اسناد مرتبط با حیات اجتماعی می‌تواند راه‌گشا باشد. عنصر مشارکت به منزله یکی از مؤلفه‌های پیش‌برنده توسعه امروزه مورد توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است؛ ادبیات می‌تواند در این زمینه چشم‌اندازهای مؤثری در اختیار ما بگذارد؛ بنابراین، مطالعه مشارکت از منظر ادبیات می‌تواند به شناسایی گونه و پنداشت‌ها درباره انواع آن کمک کند. مشارکت در زندگی اجتماعی علاوه بر اهمیت اقتصادی آن از نظر سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی نیز دستاوردهایی به دنبال دارد که عبارت‌اند از:

سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار راه‌دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیش‌رفت به روی رده‌های زیرین جامعه ... حاصل آن تسهیل و شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت کردن، نیرومندساختن ناتوانان، و درهم‌شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۲).

پاتنام درباره رابطه بین مشارکت و اعتماد به رابطه‌ای خطی معتقد نیست، بلکه به رابطه متقابل این عوامل توجه دارد.

اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی، و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یک‌دیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری‌جویانه کارآمد مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است، اما آن مهارت و این اعتماد نیز به‌نوبه خود به‌وسیله همکاری سازمان‌یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی - اجتماعی کمک می‌کنند و به‌نوبه خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند (زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۵۴).

در جامعه ایران از دیرباز مشارکت به صور گوناگون وجود داشته است. بوستان سعدی یکی از آثار فاخر ادبی ملت ماست که در جایگاه میراثی ماندگار طی قرون و اعصار در میان اقشار مختلف مردم این سرزمین در کنار گلستان برای تعلیم و تربیت نسل‌های مختلف کارساز بوده و نقش بسیار مهمی در ارتقای کیفی زندگی اجتماعی ایرانیان داشته است. سعدی در این کتاب ارزشمند که اثری تعلیمی - اخلاقی است از جامعه آرمانی خویش یا

به اصطلاح «مدینه فاضله‌اش» سخن گفته و حکایت کرده است؛ بنابراین از طریق مطالعه بوستان سعدی می‌توان بخشی از ویژگی‌های سرمایه اجتماعی (social capital) از جمله مشارکت اجتماعی را به منزله یکی از شاخص‌های متمایزکننده جامعه ایرانی در آن مقطع تاریخی مطالعه کرد.

از آن‌جاکه سعدی با جوامع مختلف در سفرهای متعدد آشنا شده و از نحوه زندگی و تعامل افراد این جوامع و فرهنگ و آداب و رسوم آنان آگاهی کسب کرده است، در نقش جامعه‌نگاری که به ظرافت‌های فرهنگی، اجتماعی، و ادبی توجه داشته، با علم به واقعیت‌ها، به بیان نظر خویش درباره مناسبات و روابط اجتماعی و هم‌زیستی افراد در جامعه ایده‌آل خویش در کتاب بوستان پرداخته است. یکی از مفاهیم کلیدی در آثار سعدی سرمایه اجتماعی است که شاخص اصلی آن مشارکت اجتماعی است. در این پژوهش به دنبال آن‌ایم که «مشارکت» (participation)، به منزله یکی از سه مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی، در بوستان چه بازتابی دارد؟ و سیر نمود انواع و شاخص‌های مشارکت در بوستان چگونه است؟

۲. اهداف تحقیق

۱.۲ هدف کلی

بررسی بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان سعدی.

۲.۲ اهداف فرعی

- بررسی بازتاب مشارکت در سطح هم‌راهی در بوستان سعدی؛
- بررسی بازتاب مشارکت در امور مذهبی در بوستان سعدی؛
- بررسی بازتاب مشارکت سازمان‌دهی شده در بوستان سعدی؛
- بررسی بازتاب مشارکت براساس تقسیم کار در بوستان سعدی؛
- بررسی بازتاب مشارکت درون‌سویه در بوستان سعدی؛
- بررسی بازتاب مشارکت برون‌سویه در بوستان سعدی؛
- بررسی بازتاب مشارکت اجباری در بوستان سعدی؛

- بررسی بازتاب مشارکت مشورتی در بوستان سعدی؛
- بررسی بازتاب مشارکت ابزاری در بوستان سعدی.

۳. ادبیات تحقیق

پیشینه مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی در ادبیات فارسی چندان زیاد نیست، زیرا این مفهوم جامعه‌شناختی اندک‌زمانی است که وارد حوزه مطالعات ادبی شده است و اهل تحقیق براساس این نظریه متون ادبی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند؛ برای مثال، لیلا رکابدار در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در داستان‌نامه بهمنیاری»، با طرح موضوع در ضرب‌المثل‌های کتاب، ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی را بررسی کرده است. وی از میان ۶۰۱۶ مثل در کتاب ۳۴۲ مثل را دارای مؤلفه‌های یادشده دانسته که از میان انواع مشارکت، مشارکت برون‌سویه بیش‌ترین بسامد را داشته است (رکابدار، ۱۳۹۰). ارسلان احمدی انارمرزی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصر خسرو» را بررسی کرده است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بازتاب عناصر منفی و ضد سرمایه اجتماعی بر عناصر مثبت غلبه دارد (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰). محسن خلیلی در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی» سرمایه و ضد سرمایه اجتماعی را در تاریخ بیهقی بررسی کرده و روند زوال سرمایه اجتماعی، وضعیت نخبگان، نقش عوام، و زدوبندهای دربار را مطالعه کرده است (خلیلی، ۱۳۸۷). هم‌چنین حمیدرضا مشایخی و ارسلان احمدی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقد سرمایه اجتماعی و ضد سرمایه اجتماعی در شعر داروگ و آی آدم‌های نیما و سرود باران بدر شاکرالسیاب» سرمایه اجتماعی در آثار فوق را مقایسه کرده‌اند (مشایخی و احمدی، ۱۳۹۰). علی نصر اصفهانی و دیگران نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان» (با روی‌کرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی)، با تبیین عوامل سرمایه اجتماعی و سازمانی در سازمان‌های خدماتی دولتی اصفهان، عوامل و شاخص‌های موردنظر را با تکیه بر آموزه‌های سعدی و اکاوی کرده‌اند (نصر اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۰). مرتضی محسنی و دیگران در مقاله‌ای، با عنوان «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت اجتماعی در ضرب‌المثل‌های داستان‌نامه بهمنیاری»، موضوع مشارکت اجتماعی در امثال بهمنیاری را بررسی کرده و با مطالعه انواع مشارکت، مشارکت برون‌سویه را دارای بیش‌ترین بسامد

دانسته‌اند (محسنی و دیگران، ۱۳۹۲). ملاحظه می‌شود که در بین آثار ذکر شده و در حدود جست‌وجوی نگارنده فقط مرتضی محسنی و دیگران مؤلفه مشارکت اجتماعی را در مقاله خود بررسی کرده‌اند که البته اثر فوق در حوزه پژوهش‌های ادب عامیانه تدوین شده است، اما در این نوشتار کاری تازه، کامل، و همه‌جانبه و درعین حال با لحاظ کردن دیدگاه‌های سعدی ارائه می‌شود که بسیار ضروری و حائز اهمیت است؛ البته این مقاله بخشی از مطالعه گسترده‌ای است که با عنوان «بازتاب سرمایه اجتماعی در گلستان و بوستان سعدی» برای رساله دکتری انجام شده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

از آن‌جا که سرمایه اجتماعی سبب کاهش هزینه‌ها و بالا رفتن بهره‌وری می‌شود نیاز واقعی دنیای امروز است. این روی‌کرد را اولین بار «لیدا. جی. هانیفان» (Lyda. j. Hanifan) مطرح کرد، اما پیش‌رفت مفهوم آن مرهون زحمات نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسانی چون «جیمز کلمن» (J. Coleman, 1990)، «پیر بوردیو» (P. Bourdieu, 1986)، «فرانسیس فوکویاما» (F. Fukuyama, 2000)، و «رابرت پاتنام» (R. Putnam, 1993) است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۹: ۲۲۳). هر جامعه، برای زندگی بهتر، نیاز به سرمایه‌های گوناگونی چون «سرمایه فیزیکی» (physical capital)، «سرمایه مالی» (economic capital)، «سرمایه انسانی» (human capital)، «سرمایه فرهنگی» (cultural capital)، و «سرمایه نمادین» (symbolic capital) دارد. درکنار این سرمایه‌ها سرمایه دیگری وجود دارد که ارزش و اهمیت آن از بسیاری از سرمایه‌های فوق بیش‌تر است و آن «سرمایه اجتماعی» است که ناظر بر منافع تعاملات اجتماعی برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنش‌گران اجتماعی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲).

توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی از سوی نظریه‌پردازان بسیار متنوع و متفاوت است. هر کس برطبق دیدگاه خاص خود آن را تعریف کرده که همین امر باعث اختلاف در تعریف و تبیین مؤلفه‌های آن شده است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، بوردیو، فوکویاما، کلمن، و پاتنام در پیش‌رفت مفهوم سرمایه اجتماعی نقش مهمی داشته‌اند که در این میان آرای کلمن، بوردیو، و فوکویاما بیش‌تر مبتنی بر منافع فردی است، درحالی‌که، دیدگاه پاتنام بر منافع جمعی تکیه دارد (جاوید و ایزدی، ۱۳۸۹: ۴)؛ به عبارتی پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را گسترش داد و آن را منبعی برای کارکردهای گوناگون در سطح جامعه دانست و با این کار درواقع بر جنبه مثبت سرمایه اجتماعی تأکید کرد (متفکرآزاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

در بین صاحب‌نظران درباره مفهوم سرمایه اجتماعی پاتنام سرشناس‌ترین فرد است. سرمایه اجتماعی از نظر او به معنی «ویژگی‌هایی از سازمان‌های اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها، و اعتماد است که عمل و همکاری برای رسیدن به سود متقابل را تسهیل می‌کند» (پاتنام، ۱۳۸۹: ۹۵). «سرمایه اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. ذخایر سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها، و شبکه‌ها خود ضامن حسن اجرای خود هستند» (تاج‌بخش، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۰۰).

از نظر پاتنام «سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد، یعنی شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی، همکاری متقابل، و اعتماد که از این شبکه‌ها برمی‌خیزد، مربوط است که همکاری و هماهنگی را برای منافع اجتماعی تسهیل می‌کند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱). وی دو نوع سرمایه اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند: «سرمایه اجتماعی پل‌زن» (bridging social capital) (دربگیرنده) و «سرمایه اجتماعی میثاقی» (bonding social capita) (مانع‌شونده از دخول دیگران) (فیلد، ۱۳۸۵: ۵۰).

پاتنام سپس به بیان تفاوت‌های دو نوع اصلی سرمایه اجتماعی می‌پردازد. سرمایه اجتماعی میثاقی تمایل به ممانعت از دخول دیگران (غیرخودی‌ها) دارد و مایل است که همگنی را حفظ نماید، در حالی که، سرمایه اجتماعی پل‌زن به گردهم‌آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد (همان: ۵۰).

او هم‌چنین برای سرمایه اجتماعی سه مؤلفه را در نظر می‌گیرد: الف) شبکه‌های مشارکت (participation network)، ب) هنجارهای معامله متقابل و هم‌یاری، ج) اعتماد (trust) (Putnam, 2000: 134). پاتنام بعد از مشخص کردن مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی و ارائه تعاریف از آن برای سرمایه اجتماعی اشکال زیر را قائل است: الف) سرمایه اجتماعی رسمی و غیررسمی (formal and informal social capital)، ب) سرمایه اجتماعی عمقی و سطحی (thick and thin social capital)، ج) سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود) در مقابل برون‌گروهی (اتصال). او به‌طور کامل سرمایه اجتماعی را مفید نمی‌داند و سویی تاریک سرمایه اجتماعی (dark side of social capital) را نمایان می‌کند (ibid: 21). از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که ارتباط و تعامل جمعی باشد و وقتی که انحصاری شد دیگر سرمایه اجتماعی نیست.

سرمایه اجتماعی به‌طور معمول یک کالای عمومی است. برخلاف سرمایه متعارف که به‌طور معمول یک کالای خصوصی است. سرمایه اجتماعی، مانند یکی از ویژگی‌های

ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار دارد، در مالکیت خصوصی هیچ‌یک از افرادی که از آن منتفع می‌شوند نمی‌باشد (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۹۳).

چهارچوب مفهومی این تحقیق بر مبنای نظر پاتنام است و رویکرد آن بر اساس دیدگاهی است که بر توجه به شرایط زمان و مکان در ابراز نظر تأکید می‌کند. از دیدگاه صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی دارای دو بعد ساختاری و شناختی است. بعد ساختاری (نهادی) به جنبه‌های عینی‌تر، ملموس‌تر، و رؤیت‌پذیرتر مفهوم سرمایه اجتماعی از قبیل نهادهای محلی، سازمان‌ها، و شبکه‌ها در میان مردم برمی‌گردد و بیش‌تر حالت سخت‌افزاری دارد و شامل سازمان‌های رسمی و غیررسمی است و سبب برقراری رابطه عمودی و افقی در جامعه می‌شود و بعد شناختی به جنبه‌های ذهنی و نرم‌افزاری سرمایه اجتماعی نظیر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، معامله‌های متقابل، و اعتماد اجتماعی (شاخص‌تر از همه) اشاره دارد (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۳۳).

سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانی، و کلان بررسی می‌شود. در سطح خرد منافع مورد نظر است که فرد به سبب عضویت در گروه و بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی به دست می‌آورد (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). در سطح میانی در واقع سرمایه اجتماعی در روابط و هنجارهای اجتماعی بین گروه‌هایی که کار مشارکتی می‌کنند دیده می‌شود، مانند حکومت سیاسی، نظام‌های حقوقی، و غیره. در سطح کلان شامل روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان مانند دستگاه حقوقی و قضایی می‌شود (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۳۵). در این سطح، سرمایه اجتماعی شامل رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی می‌شود.

سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام دارای سه مؤلفه اصلی هنجارگرایی، اعتماد، و مشارکت است که هر کدام شاخص‌های خاص خود را دارند. واژه trust (اعتماد) در فرهنگ آکسفورد اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۷). درون‌مایه سرمایه اجتماعی اعتماد است و اعتماد باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش نتایج می‌شود.

هنجار (norm) در واقع یکی از معیارهای تثبیت‌شده آن چیزی است که گروه از نظر فکری و رفتاری از اعضایش انتظار دارد. این چشم‌داشت‌ها و رفتارهای ناشی از آن‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (کوئن، ۱۳۷۰: ۴۷).

مشارکت در لغت در معانی «شریک شدن، شرکت، و همکاری» آمده است (انوری، ۱۳۹۳: ذیل «مشارکت»). در اصطلاح «فرایند سازمان‌یافته‌ای است که افراد جامعه آگاهانه،

داوطلبانه، و جمعی و با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص انجام می‌دهند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۶). مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایندی سازمان‌یافته دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه، و جمعی با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص، که به سهیم شدن در منابع قدرت می‌انجامد، در کنار هم آن را شکل می‌دهند (زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۵۹). مشارکت نوعی عمل جمعی است. «مشارکت یکی از بنیادی‌ترین کنش‌های متقابل افراد است که در شکل دادن گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نقش شیرازه و اساسی ایفا می‌کند» (محسنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۹). اگر جامعه‌ای دارای مشارکت اجتماعی باشد، در واقع دارای سرمایه اجتماعی است.

سرمایه اجتماعی دارای دو جنبه است: یکی جنبه پیوند عینی و ملموس که شامل شبکه‌های مشارکت اجتماعی است و دوم، جنبه پیوند ذهنی که مربوط به هنجارهای اجتماعی و اعتماد است.

شبکه مشارکت دارای دو نوع پیوند رسمی و غیررسمی است:

الف) شبکه غیررسمی که خود بر دو نوع است: ۱. «درگیری اتفاقی» (ad hoc) شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومان و افراد خاص تشکیل می‌شود؛ ۲. «مشارکت پایدار» (stable-regular-participation) که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی می‌شود که به صورت مؤسسه و سازمان نیستند، ولی نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند؛

ب) شبکه رسمی یا نهادی که دربرگیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها، و باشگاه‌ها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است و هر فرد با عضویت رسمی و داوطلبانه در آن تشکیلات با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و از طریق آن خواسته‌های خود را پی می‌گیرد (یزدان‌پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

یکی از اساسی‌ترین نیازهای رهبران کشورها در اداره امور جامعه مشارکت فعال و فراگیر افراد، گروه‌ها، تشکل‌ها، و احزاب جامعه در همه زمینه‌های جاری و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت کشور است. مشارکت در همه سطوح لازمه توسعه پایدار است. این کار در مرحله شعار و تئوری به ظاهر ساده است، اما در مرحله عمل با دشواری‌های قابل توجهی روبه‌روست.

مشارکت و انگیزش اجتماعی می‌تواند در همه سطوح خرد، میانی، و کلان جامعه انجام پذیرد. وجود مشارکت به لحاظ انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است، ولی

عملی کردن و به‌اجرا درآوردن مشارکت به‌سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خُلقیات و روحیات مردم، تجربیات و واقعیات گذشته، و ... بر پذیرش یا عدم‌پذیرش یا نحوه اجرای مشارکت مؤثرند (موسوی، ۱۳۸۵: ۶۸).

۵. روش‌شناسی

۱.۵ روش پژوهش

روش پژوهش تحلیلی - توصیفی است و ضمن استفاده از تحلیل و توصیف در تبیین شاخص‌های مشارکت از تحلیل‌های کمی و مبتنی بر بسامد و آمار نیز استفاده شده است؛ یعنی در هر قسمت با ارائه بسامد کاربرد آن سعی شده است که تحلیل‌ها مبنای ریاضی و آماری داشته باشند.

۲.۵ مفاهیم و متغیرهای پژوهش

مشارکت: مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایندی سازمان‌یافته دانست که افراد جامعه به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه، و جمعی با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص، که به سهیم شدن در منابع قدرت می‌انجامد، در کنار هم آن را شکل می‌دهند (زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۵۹).

مشارکت دوسویه (هم‌یاری): در این نوع مشارکت انتظار کمک متقابل می‌رود و هر دو طرف ذی‌نفع‌اند. یاری‌دهنده و یاری‌گیرنده هم‌دیگر را می‌شناسند و اغلب به‌صورت مشارکت «هم‌پارانه درون‌گروهی» است که در سطح بالایی دیده می‌شود. بنیاد هم‌یاری بر حسن تفاهم و دوستی بنا نهاده شده و بیان‌کننده احترام متقابل و حس صمیمیت میان کنش‌گران است.

مشارکت برون‌سویه (دگریاری): دگریاری کنشی یک‌سویه، عمودی، یا افقی است که میان هم‌ترازان یا ناهم‌ترازان (فراتران و فروتران، توانایان و ناتوانان) جریان می‌یابد، درحالی‌که، هم‌یاری جریانی دوسویه و افقی است که اغلب میان کسانی که می‌توانند توانایی‌های هم‌دیگر را تکمیل یا کمبودهای یک‌دیگر را جبران کنند برقرار می‌شود. به‌عبارتی، تفاوت دگریاری و هم‌یاری تفاوت بخشش با نوعی معاوضه و مبادله است. در مشارکت دگریاری انتظار کمک متقابل از یاری‌شونده نمی‌رود و در حاله‌ای از خیرخواهی و عواطف مذهبی پیچیده شده است.

مشارکت اجباری: دانشمندان علوم اجتماعی مشارکت را به «اجباری» و «اختیاری» تقسیم می‌کنند و مشارکت در جوامع سنتی را برپایه همکاری اجباری می‌دانند و معتقدند که جامعه مدرن برپایه همکاری داوطلبانه استوار است. مشارکت اجباری نوعی هم‌نوایی را در انسان‌ها برمی‌انگیزد که نقطه مقابل مشارکت فعال و خودانگیخته است. این هم‌نوایی قدرت ابتکار، ابداع، و خلاقیت را کاهش می‌دهد.

مشارکت براساس تقسیم کار: برخی معتقدند در گذشته مشارکت در شکل تقسیم کار، که امروز در جامعه مدنی مطرح است، جریان نداشته است. تقسیم کار و تراکم اخلاقی از عوامل اصلی گسترش تمدن یعنی توسعه اقتصادی و فرهنگی‌اند. تعاون یا مشارکت به عمل جمعی در جهت هدف‌های مشترکی اطلاق می‌شود که از سوی افراد به صورت متحد و یا جداازهم صورت می‌پذیرد.

مشارکت ابزاری: در مشارکت ابزاری اراده افراد و انگیزه آنان از معاشرت و مشارکت سود فردی است. اعتقاد بر این است که به مشارکت باید هم به منزله هدف و هم به منزله وسیله و هم به منزله یکی از نیازهای اساسی بشر توجه کرد.

مشارکت مشورتی: این نوع مشارکت طرف مشورت قرارگرفتن قبل از تصمیم‌گیری است. مشورت نشانه اهمیت یک نیاز است؛ نیازی که انسان اجتماعی به حکم زندگی جمعی به یاری‌گری دیگران در تصمیم‌گیری‌های خود قائل است. از منظر جامعه‌شناسی اصل مشورت به مثابه یک سنت و روش پسندیده باید در جامعه حکم‌فرما باشد تا خوی استبداد و خودخواهی بر افراد چیره نشود (محسنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۲۷)

وحید قاسمی و دیگران برای مشارکت سه شاخص را به شرح جدول زیر تعریف کرده‌اند که شامل مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، و انسجام اجتماعی می‌شود (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

جدول ۱. شاخص‌های مشارکت اجتماعی

منبع	شاخص‌ها و مفهوم آن	ردیف
- Bullen and Onyx (1998), - Benchmark Survey (2000), - Australian Bureau of Statistics (2003B)	مشارکت اجتماعی: انواع مشارکت که هم برای فرد رضایت به‌بار می‌آورد و هم عامل شکل‌دهی به روابط و سازنده شبکه‌های حمایتی بالقوه است؛ مانند دیدار با دوستان و خویشاوندان، شرکت در مراسم شادی و ترحیم هم‌محلله‌ای‌ها، رفتن به سینما، پارک، کوه، و غیره به صورت دسته‌جمعی.	۱

<p>- Bullen and Onyx (1998), - Rose (1998), - Benchmark Survey (2000), - Australian Bureau of Statistic (2003B), -Grootaert and others (2005)</p>	<p>مشارکت مدنی: فعالیت‌هایی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، و مدیریت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و نیز سازمان‌های غیردولتی است و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله‌مراتب است.</p>	<p>۲</p>
<p>Krishna and Shrader(2000), Grootaert and others (2005)</p>	<p>انسجام اجتماعی: بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی که افراد در آن‌ها عضویت و یا در آن‌ها مشارکت دارند.</p>	<p>۳</p>

۶. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش شبکه (مشارکت) براساس تعریف پاتنام شاخص‌سازی شده است. مؤلفه مشارکت در بعد ساختاری و به عبارت دیگر در بعد سخت‌افزاری سرمایه اجتماعی قرار دارد و حال آن‌که اشعار بوستان سعدی بیش‌تر در بعد شناختی یا نرم‌افزاری سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، با توسعه معنایی شاخص موردنظر در بحث مشارکت اجتماعی به جای مشارکت در سطح محله و مشارکت در تفریح دسته‌جمعی از شاخص مشارکت در سطح هم‌راهی استفاده شد که از نظر نوع و سطح در یک جایگاه قرار می‌گیرند. شاخص‌های مشارکت اجتماعی در این پژوهش شامل: مشارکت اجتماعی در سطح هم‌راهی، مشارکت اجتماعی در امور مذهبی، و مشارکت اجتماعی در امور سازمان‌دهی شده است.

از ۴۰۱۱ بیت بوستان سعدی ۵۱ بیت به مشارکت و مفاهیم آن اشاره دارند. براساس یافته‌های این پژوهش که بازتاب سرمایه اجتماعی در بوستان سعدی است، مشارکت در رتبه آخر بسامدی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی قرار دارد. جمعاً تعداد ۲۳۶ مورد در کتاب بوستان به مفهوم هنجارگرایی و شاخص‌های مختلف آن اشاره دارند. نسبت این تعداد به کل ابیات بوستان ۵/۸۸ درصد است. تعداد ۱۰۵ مورد در کتاب بوستان به مفهوم اعتماد و شاخص‌های مختلف آن اشاره دارند که نسبت این تعداد به کل ابیات بوستان ۲/۶۱ درصد است. درنهایت ۵۱ بیت به مشارکت و مفاهیم آن اشاره دارند که فقط ۱/۲۷ درصد از کل ابیات این کتاب را شامل می‌شود.

بسامد شاخص مشارکت اجتماعی در قالب مشارکت در سطح هم‌راهی، مشارکت در امور مذهبی، و مشارکت در امور سازمان‌دهی شده در بوستان جمعاً ۴۵ مورد و

۸۸/۲۴ درصد است. این حجم از شاخص‌های مشارکت نشان‌دهنده توجه فراوان سعدی به مشارکت اجتماعی است. نتایج این شاخص نشان می‌دهد که مشارکت در سطح هم‌راهی با ۲۹ مورد (۵۶/۸۶ درصد) بیش‌ترین بسامد را دارد و مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازمان‌دهی شده هرکدام با ۸ مورد (۱۵/۶۹ درصد) در جایگاه بعدی بسامدی قرار دارند.

۱.۶ مشارکت اجتماعی

این شاخص خود شامل سه سطح کوچک‌تر می‌شود:

۱.۱.۶ مشارکت در سطح هم‌راهی

این سطح از مشارکت در بوستان به شرح زیر بازتاب داشته است:

۱. گاهی هم‌راهی و مشارکت در کاری یا موضوعی برای کسب منفعت و بهره‌مندی از مزایای آن انجام می‌گیرد. در واقع این مشارکتی ابزاری است:

تمتع به هر گوشه‌ای یافتم ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم

(سعدی، ۱۳۹۳: بیت ۹۸)

۲. سعدی در ضمن حکایتی افراد ناآگاه را به هم‌راهی و مشارکت با افراد آگاه فرامی‌خواند، مشارکتی که برای فرد ناآگاه در واقع یک مشارکت برون‌سویه است. به‌باور سعدی، یکی از نیازهای جامعه ایرانی در هر عصر و زمانی این نوع از مشارکت است، مشارکتی بدون چشم‌داشت و یاری‌گرانه و در اصطلاح دگریاری:

همی یادم آید ز عهد صغر	که عیدی برون آمدم با پدر
به بازیچه مشغول مردم شدم	در آشوب خلق از پدر گم شدم
برآوردم از هول و دهشت خروش	پدر ناگهانم بمالید گوش
که ای شوخ‌چشم! آخرت چند بار	بگفتم که دستم ز دامن مدار
به تنها نداند شدن طفل خرد	که مشکل توان راه نادیده برد
تو هم طفل راهی به سعی ای فقیر	برو دامن راه‌دانان بگیر

(همان: ابیات ۳۸۱۶-۳۸۲۱)

۳. سعدی هم‌راهی و مشارکت را گاهی در حد گفتار و سخن می‌داند. این نوع از مشارکت در واقع مشارکتی مشورتی است، نه عینی و رفتاری، و زمانی هم مشارکت در خیال واقع می‌شود. این مشارکت گاه برای هم‌دمی و دل‌داری دادن به کسی انجام می‌گیرد:

به اسبان تازی و مردان مرد برآر از نهاد بداندیش گرد

(همان: بیت ۱۰۱۳)

بگفت ار نهی با من اندر میان چو یاران یک‌دل بکوشم به جان

(همان: بیت ۱۴۲۶)

رقیبان خبر یافتندش ز درد دگر باره گفتندش این‌جا مگرد

(همان: بیت ۱۶۶۳)

۴. هم‌راهی و مشارکت در مرحله عمل در زبان سعدی در بیان شجاعت و عمل کسانی مطرح می‌شود که با مشارکت عینی زمینه موفقیت خود را فراهم می‌کنند. این نوع از هم‌راهی مشارکتی دوسویه است:

شجاعت نیاید مگر زان دو یار که افتند در حلقه کارزار

دو هم‌جنس هم‌سفره هم‌زبان بکوشند در قلب هیجا به جان

(همان: ابیات ۱۰۶۵-۱۰۶۶)

۵. سعدی در بیان تشویق به مشارکت می‌گوید: به‌جای آن‌که در ثمره کار دیگران و دست‌رنج آنان سهیم شوی، کاری بکن که دیگران از حاصل کار تو بهره‌مند شوند؛ در واقع سعدی به مشارکت و هم‌راهی برون‌سویه تشویق می‌کند و می‌گوید تو دست‌رنج خود را با مشارکت آنان استفاده کن، نگاه سعدی به این نوع از مشارکت نگاهی عاطفی و برگرفته از تعالیم بلند اسلامی و ملی ایرانیان است که دگریاری و کمک‌بی‌چشم‌داشت به دیگران را توصیه می‌کند:

به چنگ آر و با دیگران نوش کن نه بر فضله دیگران گوش کن

(همان: بیت ۱۳۶۴)

من اندر قفای تو می‌تاختم ز خدمت به نعمت نپرداختم

(همان: بیت ۱۸۳۰)

۶. گاهی مشارکت در سطح هم‌راهی مشارکتی داوطلبانه است، اما نه برای بهره‌مندی از مزایا و نه در مرحله شعار و یا خودنمایی، بلکه داوطلب مشارکت و هم‌راهی خود را برای انگیزه‌های دیگر خواهان است، که این مشارکتی برون‌سویه است. مشارکتی که سبب تقویت بنیان‌های عاطفی و نیز هم‌بستگی یک جمع می‌شود. حکایت دختر حاتم در روزگار پیغمبر (ص) نمونه این نوع مشارکت است که وقتی سپاه اسلام منطقه طی را تصرف کردند و آنان به پیامبر ایمان نیاوردند و دستور قتل عام آنان صادر شد، زنی گفت: من دختر حاتم‌ام! پدرم اهل کرم بود پس شفاعت مرا از این حاکم بخواهید تا در حق من کرم کند! به‌دستور پیامبر بخشیده می‌شود، اما زمانی که قومش را از دم شمشیر می‌گذرانند، آن زن به شمشیرزن گفت بیا و مرا نیز بزن! زیرا این هم‌راهی نکردن من از جوان‌مردی به‌دور است. این تدبیر و مشارکت سبب رهایی و بخشودگی قومش از مرگ شد و پیامبر آنان را بخشید:

به‌زاری به شمشیرزن گفت زن مرا نیز با جمله گردن بزن
مروت نیستم رهایی ز بند به تنها و یارانم اندر کمند

(همان: ابیات ۱۴۵۵-۱۴۵۶)

۷. گاه شیخ شیراز مخاطب را به مشارکت در عمل فرامی‌خواند و معتقد است: اگرچه نمی‌توانی پایه‌پای دیگران مشارکت و هم‌راهی داشته باشی، اما به اندازه توان و ظرفیت خود مشارکت داشته باش، درواقع مشارکتی دوسویه موردنظر سعدی است:

چو از چابکان در دویدن گرو نبردی، هم افتان و خیزان برو
گر آن بادپایان برفتند تیز تو بی‌دست‌ویی از نشستن بخیز

(همان: ابیات ۳۶۳۸-۳۶۳۹)

۸. سبب مشارکت برون‌سویه، که نشانه‌ای از عاطفی بودن روابط اجتماعی است، در نگاه و اندیشه سعدی گاهی در عشق و جاذبه‌های عشق نمایان است:

بدان زهره دستت زدم در رکاب که خود را نیاوردم اندر حساب

(همان: بیت ۱۶۸۵)

مگر پیش دشمن بگویند و دوست که این کشته دست و شمشیر اوست

(همان: بیت ۱۷۲۸)

بگفتا میرس از من این ماجرا پسندیدم آنچ او پسندد مرا

(همان: بیت ۱۸۱۳)

شبی دعوتی بود در کوی من ز هر جنس مردم در او انجمن
چو آواز مطرب برآمد ز کوی به گردون شد از عاشقان های وهوی

(همان: ابیات ۳۱۷۴-۳۱۷۵)

۹. گاهی طلب مشارکت در سطح هم‌راهی برای رسیدن به مقصودی در کلام شیخ مطرح می‌شود و در قالب مشارکت دوسویه ارائه می‌شود:

بیا تا در این شیوه چالش کنیم سر خصم را سنگ، بالش کنیم

(همان: بیت ۲۵۰۷)

تو با دوست یک‌دل شو و یک‌سخن که خود بیخ دشمن برآید زین

(همان: بیت ۳۷۸۵)

۱۰. مشارکت عامل تقویت و نیرومندی و اعتمادبه‌نفس است. سعدی این نوع از مشارکت را، که از نوع هم‌یاری یا مشارکت دوسویه است، این‌گونه بیان می‌کند:

از آن‌گه که یارم کس خویش خواند دگر با کسم آشنایی نماند

(همان: بیت ۱۶۹۶)

به حقش که تا حق جمالم نمود دگر هرچه دیدم خیالم نبود

(همان: بیت ۱۶۹۷)

۲.۱.۶ مشارکت در امور مذهبی

برای مشارکت در امور مذهبی و دینی در میان ادیان و ملل گوناگون شیوه‌ها و سبک‌های مختلفی وجود دارد که به شکل آیین و سنن خاص هر مسلک اجرا می‌شوند. این گردهمایی و اجرای سنن و دستورات دینی، چه در قالب گروهی و چه فردی، دستاوردهای بزرگی برای انسجام اجتماعی و تحکیم مبانی زندگی اجتماعی دارد. سعدی برای مشارکت اجتماعی در حوزه امور مذهبی گاهی مشارکت را در پیمودن راه خدا و انبیا و اولیا می‌داند و راه رستگاری را طی آن طریق معرفی می‌کند؛ یعنی مشارکتی در قالب اعتقادات مذهبی و برون‌سویه مورد نظر اوست:

محال است سعدیا که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی

(همان: بیت ۶۷)

به طاعت بنه چهره بر آستان که این است سرجاده راستان
(همان: بیت ۱۹۸)

تو هم گردن از حکم داور میبچ که گردن نیچد ز حکم تو هیچ
(همان: بیت ۲۱۳)

ره این است، روی از طریقت متاب بنه گام و کامی که داری بیاب
(همان: بیت ۲۱۶)

چرا اهل دعوا بدین نگروند که ابدال به آب و آتش روند؟
(همان: بیت ۱۸۴۵)

گاهی این مشارکت مذهبی در بیان سعدی در قالب دعا و طلب است و از نوع مشارکت
ابزاری است:

بخوان تا بخواند دعایی برین که رحمت رسد ز آسمان برین
(همان: بیت ۷۶۹)

گروهی سوی کوهساران شدند به فریاد خواهان باران شدند
گرسند و از گریه جویی روان بیاید مگر گریه آسمان
(همان: ابیات ۲۴۸۱-۲۴۸۲)

۳.۱.۶ مشارکت در امور سازمان‌دهی شده

امور سازمان‌دهی شده اموری است که، در قالب تشکیلات، فعالیتی جمعی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. مشارکت در چنین برنامه‌هایی شرکت در گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها، همایش‌ها، و جلسات انجمن‌ها را دربرمی‌گیرد. طبیعی است که چنین تشکیلاتی در زمان سعدی وجود نداشته است و برای تبیین این شاخص باید بیان و اندیشه سعدی را در امور مرتبط با تشکیلات و امور حاکمیتی و فعالیت‌های گروهی در نظر گرفت و بررسی کرد. سعدی شرط پذیرش لشکریان را از سوی شاه مشارکت فعال و پیوسته لشکری در ادای خدمت می‌داند. این نوع از مشارکت که مشارکتی کارکردگرایی است در زمره مشارکت دوسویه است:

وگر ترک خدمت کند لشکری شود شاه لشکرکش از وی بری
(همان: بیت ۱۲)

سعدی نمونه بارز مشارکت سازمان‌دهی شده را براساس تمثیل فعالیت و مشارکت اعضای بدن، که نوعی مشارکت اجباری است، توصیف می‌کند:

که بی گردش کعب و زانو و پای نشاید قدم برگرفتن ز جای

(همان: بیت ۳۴۴۷)

ببین تا یک انگشت از چند بند به صنّع الهی به هم درفکند

(همان: بیت ۳۳۴۴)

دو صد مهره در یک‌دگر ساخته است که گل مهره‌ای چون تو پرداخته است
رگت بر تن است ای پسندیده‌خوی زمینی در او سی صدو شصت جوی
بصر در سر و فکر و رأی و تمیز جوارح به دل، دل به دانش عزیز

(همان: ابیات ۳۳۴۹-۳۳۵۱)

سعدی به رسم سازمان‌دهی شده و دقیق شاهان عرب اشارتی دارد که ناشناس در بازار و کوی می‌گشتند و از اوضاع کشور و همراه بودن یا نبودن مردم با حکومتشان باخبر می‌شدند. این‌گونه مشارکت و هم‌نشینی با مردم که به قصد بهره‌مندی از منافع سیاسی خودشان بوده است از نوع مشارکت برون‌سویه است:

ملک صالح از پادشاهان شام برون آمدی صبح‌دم با غلام
بگشتی در اطراف بازار و کوی به رسم عرب نیم بر بسته روی

(همان: ابیات ۲۲۹۲-۲۲۹۳)

سعدی توصیف مشارکت در میدان نبرد را به‌شکل سازمان‌دهی شده‌ای بیان می‌کند. اسبی که مانند ابر برانگیخته می‌شود، باران شمشیرش باریدن می‌گیرد، تلاقی دو لشکر به‌سان برهم‌خوردن زمین و آسمان می‌شود، و طوفان مرگ وزیدن می‌گیرد. در برخورد با سواران دشمن سپردر سپر می‌شود و با تیر و نیزه موی می‌شکافد، ولی چون سعادت با وی یار نیست از پیروزی بازمی‌ماند؛ این نوع توصیف از نوع مشارکت دوسویه است:

چو ابر اسب تازی برانگیختیم چو باران بلالک فروریختیم
دو لشکر به هم بر زدند از کمین تو گفتی زدند آسمان بر زمین
ز باریدن تیر هم‌چون تگرگ به هر گوشه برخاست طوفان مرگ

(همان: ابیات ۲۵۵۲-۲۵۵۴)

سواران دشمن چو دریافتیم پیاده سپر در سپر بافتیم
به تیر و سان موی بشکافتیم چو دولت نبد روی برتافتیم

(همان: ابیات ۲۵۵۷-۲۵۵۸)

۲.۶ انسجام اجتماعی

در تعریف عملیاتی این شاخص می‌توان به موارد اهمیت‌دادن به یک‌دیگر و صرفاً به فکر خود نبودن، احترام به حقوق و اموال دیگران، برقراری روابط محبت‌آمیز و انسان‌دوستانه در جامعه، و برابر بودن در مقابل قانون اشاره کرد. بسامد این شاخص در بوستان سعدی با ۶ مورد و ۱۱/۷۶ درصد بعداز مشارکت اجتماعی در جایگاه دوم شاخص‌های مشارکت قرار دارد. این میزان توجه سعدی به انسجام اجتماعی نشانه‌ای از دانایی و نگاه مصلحانه و جامع‌نگر وی به اوضاع اجتماعی است. سعدی به فکر دیگران بودن و رعایت‌کردن حال رعیت را از مبانی استحکام انسجام اجتماعی می‌داند و معتقد است که پادشاهی به‌سان درخت تناوری است که رعیت ریشه‌های این درخت‌اند و بی‌شک هر درختی با ریشه‌اش زنده است. حاکمان را از ناخشنودی رعیت برحذر می‌دارد چون پشت و پناه حکومت آنان‌اند. این نوع از مشارکت حاکم و رعیت از نوع مشارکت دوسویه است:

رعیت چو بیخند و سلطان درخت درخت ای پسر باشد از بیخ سخت

(همان: بیت ۲۲۳)

رعیت نشاید به بیداد کشت که مر سلطنت را پناهند و پشت

(همان: بیت ۲۳۶)

برای اهمیت‌دادن به یک‌دیگر و باهم بودن سعدی تمثیلی زیبا از همایش موران می‌آورد که در لوای باهم بودن فغان از شیران جنگی برمی‌آورند. او نه مور که مو را نیز مثال می‌زند که وقتی موها با هم بافته شوند مانند زنجیری مستحکم و قوی می‌شوند. در این موارد به نوعی مشارکت اجباری اشاره دارد:

نبینی که چون با هم آیند مور ز شیران جنگی برآرند شور

نه موری که مویی کز آن کم ترست چو پر شد ز زنجیر محکم ترست

(همان: ابیات ۵۹۶-۵۹۷)

حکایت سفر هندوستان شیخ و دیدن بتی که مغان از اطراف و اکناف برای زیارت و پرستش آن می‌آمدند نمونه‌ای از مشارکت ابزاری است که سبب انسجام اجتماعی آن جماعت است. شیخ از یکی از مغان که دوست و هم‌نشین او بود علت بت‌پرستی آنان را جویا می‌شود:

بر این گفتم آن دوست دشمن گرفت چو آتش شد از خشم و در من گرفت
مغان را خبر کرد و پیران دیر ندیدم در آن انجمن روی خیر
فتادند گبران پازند خوان چو سگ در من از بهر آن استخوان

(همان: ابیات ۳۴۸۷-۳۴۸۹)

شیخ چاره کار را در آن می‌بیند که از بزرگ مغان بخواهد که او را راهنمایی کند تا به کمال این بت پی ببرد و او هم می‌گوید این یگانه بتی است که سحرگاه دست به درگاه خدا بلند می‌کند و از سعدی می‌خواهد سحر به پا خیزد و نظاره‌گر این اوضاع باشد و سعدی از سختی گذران آن شب خود می‌گوید و این که سحر همه مغان برای دیدن بت به آن جا آمدند:

مغان تبه‌رأی، ناشسته‌روی به دیر آمدند از در و دشت و کوی
کس از مرد در شهر و از زن نماند در آن بتکده جای درزن نماند

(همان: ابیات ۳۵۱۵-۳۵۱۶)

۳.۶ مشارکت مدنی

آنچه امروزه از آن با عنوان مشارکت مدنی یاد می‌شود دربرگیرنده مفاهیم مشارکت در قالب سنت‌های مدنی است؛ نظیر عضویت و مشارکت در انجمن‌های خیریه، قرض‌الحسنه‌های فامیلی، هیئت‌های مذهبی، عضویت در گروه‌های فرهنگی نظیر گروه‌های هنری و کانون‌ها، و الگوهای جدید مشارکت نظیر سازمان‌های غیردولتی، تشکل‌های سیاسی، تیم‌های ورزشی، و غیره. این مصادیق در شعر سعدی دیده نمی‌شود و در آن زمان چنین تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهادی وجود نداشته‌اند؛ بنابراین بسامد این شاخص در شعر سعدی صفر است.

در ادبیات علوم اجتماعی مشارکت کنشی اجتماعی است که کارکنش‌گران را برای رسیدن به اهدافشان تسهیل می‌کند. مشارکت نقش اول و اساسی را در تشکیل گروه و

سازمان دارد و پاتنام مشارکت اجتماعی را برای جوامع لازم و ضروری می‌داند و از آن به‌منزله یکی از مؤلفه‌های توسعه‌ساز یاد می‌کند. در جمع‌بندی‌ای کلی مشارکت این ویژگی‌ها و کارکردها را دارد: تقسیم کار، مسئولیت‌پذیری، هماهنگی فعالیت‌ها، برخورداری همه از کار جمعی، سهم شدن در قدرت، کوشش سنجیده گروه‌ها برای به‌دست گرفتن امور زندگی و بهبودی آن، ایجاد فرصت برای گروه‌های فرودست، تقویت روحیه هم‌بستگی و کاهش تعارضات گروهی، و گسترش ارزش‌های دموکراتیک و همکاری در کارها (محسنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱-۱۰۰). مشارکت و روحیه مشارکت‌پذیری بسامد نسبتاً بالایی در شعر سعدی دارد. مشارکت نیاز بشر است و در ادوار مختلف حیات بشری حضور داشته است. در کشور ما، از جوامع سنتی گرفته تا مدرن امروزی، مشارکت در شکل و نمودهای مختلف ظهور و حضور داشته است و این حضور را امروزه به‌مثابه مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بوستان سعدی می‌بینیم.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد انواع مشارکت در بوستان سعدی

انواع مشارکت	فراوانی	درصد
مشارکت برون‌سویه	۱۹	۳۷/۲۴
مشارکت درون‌سویه	۱۲	۲۳/۵۳
مشارکت ابزاری	۹	۱۷/۶۵
مشارکت مشورتی	۷	۱۳/۷۳
مشارکت اجباری	۴	۷/۸۴
مشارکت براساس تقسیم کار	۰	۰
جمع	۵۱	٪۱۰۰

حدود ۳۷/۲۴ درصد از کل انواع مشارکت در بوستان به مشارکت برون‌سویه یا دگریاری اختصاص دارد.

جدول ۳. میزان نمود مشارکت در ابواب مختلف بوستان

ردیف	نام باب	تعداد	درصد
۱	دیباچه	۶	۱۱/۷۶
۲	در عدل و تدبیر و رأی	۸	۱۵/۶۹
۳	در احسان	۷	۱۳/۷۳

۱۹/۶۱	۱۰	در عشق و مستی و شور	۴
۷/۸۴	۴	در تواضع	۵
۵/۸۸	۳	در رضا	۶
۱/۹۶	۱	در قناعت	۷
۳/۹۲	۲	در عالم تربیت	۸
۱۱/۷۶	۶	در شکر بر عافیت	۹
۷/۸۴	۴	در توبه و راه صواب	۱۰
۰	۰	در مناجات و ختم کتاب	۱۱
%۱۰۰	۵۱	جمع	

براساس داده‌های جدول جمعاً ۵۱ مورد از ابیات بوستان در بردارنده مفهوم مشارکت‌اند. بیش‌ترین تعداد ابیات مشارکت به ترتیب متعلق به باب سوم (۱۹/۶۱ درصد)، باب اول (۱۵/۶۹ درصد)، و باب دوم (۱۳/۷۳ درصد) است و بعد از آن‌ها دیباچه و باب هشتم هر کدام با ۱۱/۷۶ درصد قرار دارند. در مابقی ابواب بوستان کم‌تر از ۸ درصد کل ابیات مشارکت برای هر باب مشاهده شده است. به این ترتیب، ۴۹ درصد از ابیات مشارکت فقط در باب‌های اول، دوم، و سوم حضور دارند. کم‌ترین درصد (۰ درصد) متعلق به باب دهم است.

جدول ۴. بسامد شاخص‌های مشارکت در بوستان

درصد	بسامد	شاخص	ردیف
۵۶/۸۶	۲۹	در سطح هم‌راهی	۱
۱۵/۶۹	۸	امور مذهبی	
۱۵/۶۹	۸	امور سازمان‌دهی شده	
۱۱/۷۶	۶	انسجام اجتماعی	۲
۰	۰	مشارکت مدنی	۳
۱۰۰/	۵۱	جمع	

طبق اطلاعات جدول مشارکت در سطح هم‌راهی با ۲۹ مورد (۵۶/۸۶ درصد) بالاترین بسامد را دارد و بعد از آن مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازمان‌دهی شده هر کدام با ۸ مورد (۱۵/۶۹ درصد) در جایگاه دوم قرار دارند. انسجام اجتماعی با ۶ مورد (۱۱/۷۶ درصد) در جایگاه سوم است، مشارکت مدنی با ۰ مورد (۰ درصد) کم‌ترین نمود

شاخص‌های مشارکت را داشته است. هم‌چنین جدول نشان می‌دهد که اختلاف میان درصدها به بیش از ۵۶ درصد می‌رسد. شاخص مشارکت در سطح همراهی به‌تنهایی نزدیک به ۵۷ درصد کل نمود شاخص‌های مشارکت را داشته است. مشارکت در سطح همراهی در شعر سعدی گاه در کاری یا موضوعی برای کسب منفعت و بهره‌مندی از مزایای آن صورت می‌گیرد. در واقع مشارکتی دوسویه است. همراهی و مشارکت طرح‌شده در کتاب بوستان گاهی مشارکتی ذهنی است و در حد گفتار و سخن بیان می‌شود. این نوع از مشارکت در واقع عینی و رفتاری نیست، بلکه در خیال واقع می‌شود و زمانی نیز همراهی و مشارکت در مرحله عمل در زبان سعدی برای بیان شجاعت و عمل کسانی به‌کار می‌رود که با مشارکت عینی زمینه موفقیت خود را فراهم می‌کنند. این شاخص در بوستان زمانی هم برای بیان تشویق به مشارکت و همراهی نمود پیدا می‌کند. انگیزه مشارکت در سطح همراهی در نظر سعدی گاهی عشق و جاذبه‌های عشق است. در نظر سعدی توجه به مشارکت و همراهی در انجام دادن امور اساسی‌ترین شاخص مشارکت است.

مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازمان‌دهی شده هم شاخص‌هایی برای سنجش سرمایه اجتماعی‌اند. سعدی برای مشارکت اجتماعی در حوزه امور مذهبی گاهی مشارکت را در پیمودن راه خدا و انبیا و اولیا می‌داند و راه رستگاری را در طی آن طریق معرفی می‌کند و زمانی هم این نوع از مشارکت در بیان سعدی در قالب دعا و طلب نمود می‌یابد. در مقوله مشارکت سازمان‌دهی شده نیز برای تبیین این شاخص بیان و اندیشه سعدی در امور مرتبط با تشکیلات و امور حاکمیتی و فعالیت‌های گروهی بررسی شده است. سعدی شرط پذیرش از سوی شاه را مشارکت فعال و پیوسته لشکری در ادای خدمت می‌داند و زمانی هم به رسم شاهان عرب اشاره‌ای می‌کند که ناشناس در بازار و کوی می‌گشتند و از اوضاع کشور به‌شکل واقعی باخبر بودند. سعدی در بوستان تکیه بیشتری بر این دو شاخص دارد و این دو شاخص بیش از ۳۱ درصد شاخص‌های مشارکت را در خود جای داده‌اند. در مرحله بعد انسجام اجتماعی به‌منزله شاخص مشارکت‌آفرین مدنظر سعدی قرار گرفته و توجه سعدی به انسجام اجتماعی نشانه‌ای از دانایی و نگاه مصلحانه و جامع‌نگر سعدی به اوضاع اجتماعی است. پادشاهی یک حکومت از نظر سعدی به‌سان درخت تناوری است که رعیت ریشه‌های این درخت‌اند و بی‌شک هر درختی با ریشه‌اش زنده است و دوام دارد؛ سعدی حاکمیت را از ناخشنودی رعیت برحذر می‌دارد. پس اصلی‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی از نظر وی این

چهار موردند و چون مصادیق مشارکت مدنی در آن زمان وجود نداشته است، می‌توان گفت از نظر او اهمیتی نداشته‌اند.

۷. نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی به‌مثابه یک مفهوم بیان‌گر ویژگی‌ها، کمیت، و کیفیت روابط اجتماعی در یک جامعه است؛ بنابراین از منظر مطالعه سرمایه اجتماعی در بوستان سعدی می‌توان به مختصات کمی و کیفی کنش و روابط اجتماعی به‌منزله یکی از کانونی‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی و یکی از مؤلفه‌های مهم حیات و ساختار اجتماعی جامعه ایرانی در عصر سعدی دست یافت. در این تحقیق ضمن مرور نظریه‌هایی درباره سرمایه اجتماعی (کلمن، بوردیو، و فوکویاما) با تمرکز بر نظریه پاتنام مشارکت اجتماعی را به‌منزله یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بوستان سعدی بررسی کرده‌ایم.

از بررسی ۴۰۱۱ بیت در بوستان سعدی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ۵۱ بیت به مشارکت و مفاهیم آن اشاره دارد که فقط ۱/۲۷ درصد از ابیات این کتاب را شامل می‌شود. این آمار بیان‌گر این است که در جامعه آرمانی سعدی همکاری‌های جمعی و مشارکتی در سطح بسیار پایینی ترسیم شده است. در رتبه بسامدی در میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مشارکت بعد از هنجارگرایی و اعتماد قرار دارد. شاخص‌های این مؤلفه در قالب مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، و مشارکت مدنی بررسی شده‌اند. شاخص مشارکت اجتماعی با ۴۵ مورد و ۸۸/۲۴ درصد بیش‌ترین نمود شاخص‌ها را دارد و انسجام اجتماعی با ۶ مورد و ۱۱/۷۶ درصد در رتبه بعدی قرار می‌گیرد، مشارکت مدنی در ادبیات آن زمان بازتاب و انعکاسی نداشته است. از میان انواع مشارکت بازتاب‌یافته در بوستان سعدی مشارکت برون‌سویه (دگریاری) با ۱۹ مورد و ۳۷/۲۴ درصد، مشارکت درون‌سویه (هم‌یاری) با ۱۲ مورد و ۲۳/۵۳ درصد، مشارکت ابزاری با ۹ مورد و ۱۷/۶۵ درصد، مشارکت مشورتی با ۷ مورد و ۱۳/۷۳ درصد، و مشارکت اجباری با ۴ مورد و ۷/۸۴ درصد به‌ترتیب بیش‌ترین بسامد را دارند. یافته‌ها بنابر نظریه پاتنام بیش‌تر بیان‌گر نوعی سرمایه اجتماعی اتصالی - برون‌گروهی است که با مختصات دنیای آرمانی - اخلاقی تصویرشده بوستان سعدی، که در پارادایم ادبیات تعلیمی می‌گنجد، سازگار است. ازسوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهند که مشارکت براساس تقسیم کار (مشارکت تخصصی) بسامد صفر داشته است و این یافته با ویژگی‌های جامعه تمایزنیافته عصر سعدی هم‌خوانی دارد. بسامد ۷/۸۴ درصد

مشارکت اجباری در بوستان بیان‌گر ساختار سیاسی حاکم - رعیتی عصر سعدی است که با مشارکت داوطلبانه به منزله یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن کاملاً متفاوت است. در دنیای آرمانی سعدی، نوع غیرانتفاعی یا غیرابزاری مشارکت مرکب از انواع برون‌سویه و درون‌سویه با ۶۰/۷۷ درصد در مقایسه با نوع ابزاری مشارکت با ۱۷/۶۵ درصد اختلاف قابل توجهی دارد که با سیاق تعلیمی این اثر مطابق است.

سعدی در بوستان بر بعد عینی سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت تأکید داشته است که با یافته محسنی و دیگران (۱۳۹۲) دال بر پربسامد بودن مشارکت برون‌سویه هم‌سوست. مشارکت انعکاس‌یافته در بوستان در سطح خرد مشارکت ارزیابی می‌شود؛ یعنی مشارکت فرد برای بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی است. مشارکت اجتماعی ایده‌آل از نظر سعدی از نوع مشارکت برون‌سویه (دگریاری) است که بالاترین بسامد را در بوستان داشته است و نشانه‌ای از جامعه عاطفی مطلوب سعدی است که کمک بدون چشم‌داشت به دیگران و نیز همراهی و هم‌دلی را، که از آموزه‌های ملی و اسلامی ایرانیان است، ترویج می‌کند و بر این موضوعات تکیه و تأکید دارد چون سبب تقویت نشاط اجتماعی و هم‌بستگی ملی می‌شوند. بوستان اثری ادبی و تعلیمی است و برای انتقال اخلاقیات و ارزش‌های مادی و معنوی بسیار ارزش‌مند است و می‌تواند در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی برای جامعه ایرانی کمک مؤثری باشد.

کتاب‌نامه

- احمدی انارمرزی، ارسلان (۱۳۹۰). «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصر خسرو»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راه‌نما مرتضی محسنی، دانشگاه بابلسر.
- ازکیا، مصطفی و غلام‌رضا غفاری (۱۳۸۰). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- انوری، حسن (۱۳۹۳). فرهنگ روز سخن، تهران: سخن.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۹). «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی، و زندگی عمومی»، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، و توسعه، تهران: شیرازه.
- پاتنام، روبرت (۱۳۹۲). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی، تهران: شیرازه.
- رکابدار، لیلا (۱۳۹۰). «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در داستان‌نامه بهمنیاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راه‌نما مرتضی محسنی، بابلسر: دانشگاه مازندران.

- زارع شاه‌آبادی، اکبر و محمد نوریان نجف (۱۳۹۱). «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، *دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ش ۱.
- جاوید، محمد جواد و اصغر ایزدی جیران (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران*، تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۴۱، ش ۱۶۰.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی و آموزش سرمایه‌زا، سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۹۳). *بوستان*، تصحیح و توضیح غلام‌حسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان‌شهر تهران»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۳.
- فیلد، جان (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه احمد رضا اصغرپور، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- قاسمی، وحید و دیگران (۱۳۸۵). «سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۳.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- متفکر آزاد، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران»، *دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، س ۳، ش ۱.
- محسنی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۲). «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت در ضرب‌المثل‌های داستان‌نامه بهمنیاری»، *فصل‌نامه مطالعات توسعه فرهنگی اجتماعی*، دوره دوم، ش ۱.
- مشایخی، حمیدرضا و ارسلان احمدی انارمرزی (۱۳۹۰). «نقد سرمایه اجتماعی و ضد سرمایه اجتماعی در شعر داروگ و آی آدم‌های نیما و سرود باران بدر شاکر السیاب»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۲.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۳.
- نصر اصفهانی، علی و دیگران (۱۳۹۰). «بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان (با رویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی)»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، دوره بیست و دوم، ش ۱ (پیاپی ۴۱).
- یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶). «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهران»، *رفاه اجتماعی*، س ۷، ش ۲۶.